

حقوق مدنی بهائیان

جمشید فنائیان

در حال حاضر اوضاع حقوق مدنی بهائیان بحث روز می باشد و شمار روز افزونی از آزادی طلبان و صاحب نظران و رادمردان و خجسته بانوان طالب آند که حقوق حقه بهائیان و امنیت مالی و جانی آنان، امکانات تحصیلی، حق استخدام در دوائر دولتی و آزادی عقیده و وجدان تأمین گردد و علاوه بر مردمان روشن ضمیر بسیاری از احزاب سیاسی، مجامع حقوقی و سازمان های مختلف با وجود گرایش های گوناگون به اتفاق به دفاع از حقوق مدنی و آزادی مذهبی بهائیان برخاسته اند و این مدافعان حقوق و کرامت انسانی به نحوی علنی سرکوبی جامعه بهائی را محکوم نموده اند و نیز در سطح بین المللی از جمله اتحادیه اروپا، سازمان ملل متحد، سازمان عفو بین الملل، وزارت امور خارجه آمریکا، نخست وزیر کانادا، فدراسیون مدرسین کالیفرنیا، کاخ سفید آمریکا و انجمن پژوهشگران ایرانی و بسیاری دیگر سلب آزادی بهائیان و جلب هیئت مدیران را محکوم نموده و آزادی آنانرا اکیداً خواستار شدند.

پس از شانزده دهه متوالی سرکوبی ظالمانه جنبش بابی و آئین بهائی و پیروان آئین نوین گاه بیشتر و گاه کمتر و کشتار بیرحمانه بی گناهان و ترویج دروغ ها و تهمت های ناروای برخی بی انصافان و القاء نفرت در اذهان عام توسط تعدادی از غرض ورزان این نخستین بار است که بنحوی گسترده یک چنین حرکت انسان دوستانه برای دفاع از حقوق حقه جامعه ای ستمدیده آغاز گشته است و این جلوه ای از بزرگ منشی روحیه ایرانی است که طی قرون متمادی زیر خرواری از تعصبات وارداتی مکتوم و مخدوش گشته بود و این تأییدی بر واقعیت تاریخی است که ایرانیان نخستین قومی بودند که اعلامیه حقوق بشر را بر نوشتند و تحسین شماری از تاریخ نویسان را برانگیختند.

جالب اینجاست همانگونه که قبلاً اشاره شد در این خیراندیشی و احقاق حقوق انسانی و آزادی اندیشه و عقیده احزاب چپ و راست هم صدا و هم ندا گشته اند. امید است که این هم صدائی آنان مقدمه هماهنگی و همگامی آنان برای پیشرفت ایران باشد چه تفاوت در دیدگاه ها نباید مانع همدردی و همکاری گردد. افراد و گروه های مختلف می توانند هدفی مشترک داشته باشند و آن پیشرفت و ترقی ایران نازنین در عرصه کره زمین است.

حال که دفاع از حقوق حقه جامعه ستمدیده بهائیان فعالان اجتماعی را در یک صف قرار داده است شاید بتوان از یکی از اصول آئین بهائی که وحدت در کثرت است بهره گرفت بدین معنی که مردمان و سازمان ها با وجود تفاوت مشرب ها، سلیقه ها، افکار و آراء می توانند متحد باشند. چه تفاوت در دیدگاه ها

نباید موجب برخوردها شود بلکه آراء و افکار مختلف می‌تواند بر غنای فرهنگی، رشد سیاسی و تعالی فکری بیفزاید. تفاوت و حتی تضاد افکار می‌تواند نتیجه‌ای پر بار داشته باشد و حقیقت را آشکار کند.

چنانچه عبدالبهاء می‌نویسد: "بارقه حقیقت شعاع ساطع از تضاد افکار است" آراء مختلف و افکار متفاوت زینت عالم انسانی و هماهنگی آنها موجب جمال و کمال عالم بشری است.

مردمان و سازمانها چه در سطح ملی یا بین‌المللی می‌توانند از برخی از تعالیم بهائی بهره‌گیرند بدون آن که الزامی در قبول حقانیت رسالت بهاء‌الله مطرح باشد و هم اکنون برخی از تعالیم بهائی را بعنوان شاخص پیشرفت تمدن به کار بسته‌اند. وقتی بهاء‌الله به پادشاهان و امپراطوران و سران دنیا پیام جدید را ابلاغ و آنان را دعوت نمودند که برای ساختن دنیای نو قدم جلو‌گذارند آنان در افکار کهنه و عقاید عتیقه غرق بودند و از باده غرور و حکمرانی سرمست بودند نتوانستند اهمیت حیاتی و لزومیت فوری تغییر نظامات دنیا را درک کنند و خیر مردم و خیر خود را تشخیص ندادند و در نتیجه یکی پس از دیگری از اریکه قدرت فرو افتادند و دچار مذلت شدند.

بهاء‌الله در لوحی خطاب به ویکتوریا ملکه بریتانیا پیشنهاد کردند حال که سران جهان از قبول این پیام سر باز زده‌اند حداقل یک مجمع جهانی از پادشاهان و سران جهان تشکیل شود و در موضوع برقراری صلح جهانی و آرامش عالم انسانی با هم مشاوره نمایند. ناگفته نماند هر چند ملکه بریتانیا لوح بهاء‌الله را با احترام دریافت کرد ولی اقدامی در این زمینه انجام نداد و این افتخار را از دست داد.

بهائیان معتقدند چون حضرت بهاء‌الله به سران دنیا فرمود که اگر بهائی نمی‌شوند حداقل بین خود صلح سیاسی را برقرار کنند از این رو پیش از قبول همگانی آئین بهائی در سطح جهانی صلح سیاسی در دنیا برقرار خواهد شد چون اراده الهی بر این قرار گرفت. در تشکیل جامعه ملل و سازمان ملل متحد تعالیم بهاء‌الله تأثیری به سزا داشته است زیرا ویدرو ویلسون رئیس جمهور فقید آمریکا، که چهارده ماده معروف برای تشکیل جامعه ملل را ارائه داد با پیام و تعالیم بهاء‌الله تا حدودی آشنائی داشت و یکی از دخترانش بهائی بود و نیز بنیانگذاران سازمان ملل متحد، رئیس جمهور آمریکا فرانکلین روزولت و نیز نخست‌وزیر انگلیس سر وینستون چرچیل هر دو با تعالیم بهاء‌الله آشنائی داشتند. دکتر جیاگری که از بهائیان برجسته ایتالیا بود و همسرش از شاهزادگان سوئد بود با خانواده روزولت روابط خانوادگی داشتند. البته ناگفته نماند که جامعه ملل و سازمان ملل متحد قدمی در راه تشکیل مجمع بین‌المللی سران دنیاست که حضرت بهاء‌الله تشکیل آن را لازم و حتمی شمردند و البته این سازمان دارای نواقصی است که هنوز بدان درجه که مورد نظر بهاء‌الله است نرسیده است.

بیت‌العدل عمومی که رهبری جامعه جهانی بهائی را برعهده دارد و هیئتی منتخب از بهائیان سراسر جهان است در پیام اخیر مورخ ۱۹ ماه می ۲۰۰۸ خطاب به جامعه ستم‌دیده بهائیان ایران که پس از

دستگیری هیئت یاران صادر شده است آنان را تشویق می‌کند که برای ترقی ایران با همگامی با دیگر ایران‌دوستان و فعالان اجتماعی کوشش فراوان نمایند. از جمله می‌نویسند، "همگام با دیگر هموطنان روشن‌ضمیرتان در احیای ایران عزیز و ارتقای آن به مقام محترم‌ترین ممالک عالم کوشا هستید تا آن سرزمین مقدس مایه مباهات جهانیان و مورد ستایش و غبطه عالمیان گردد".

ممکن است برخی از این پیام بیت‌العدل عمومی بهائیان که "ایران عزیز" به "مقام محترم‌ترین ممالک عالم ارتقا یابد" و "مورد ستایش و غبطه عالمیان گردد" به شگفتی آیند و آن را غیرممکن دانند زیرا می‌بینند که ایران در پنجه عقاید عتیقه و خرافات فلج‌کننده، و واپسگرایی ظالمانه گرفتار است چگونه می‌تواند چنین پروبال بگشاید و راه ترقی بپیماید و "محترم‌ترین ممالک عالم" گردد و مورد غبطه مردم اهل زمین شود چه آن‌تان را در اهل ایران نمی‌یابند که ایران ویران سرور عالم امکان شود.

اولاً باید توجه داشت که این بیان بیت‌العدل عمومی مأخوذ و ملهم از آثار بهائی است که ترقی شگفتی‌آور ایران را پیش‌بینی کرده و تحقق آن را حتمی شمرده است. حضرت عبدالبهاء می‌نویسد، "مستقبل ایران در نهایت شکوه و عظمت و بزرگواری است زیرا موطن جمال مبارک (بهاءالله) است جمیع اقالیم عالم توجه و نظر احترام به ایران خواهند نمود و به یقین بدانید چنان ترقی نماید که انظار جمیع اعظام (بزرگان) و دانایان عالم حیران گردد" و در جای دیگر بدین بشارت جان‌پرور اهل ایران را از یاس و نومیدی بیرون می‌آورد و جلال و شکوهمندی و ترقی و آبادانی ایران را نوید می‌دهد و قلوب ایران‌دوستان را غرق در سرور و نشاط و حرکت می‌نماید. عبدالبهاء می‌نویسد، "دولت وطنی جمال مبارک (بهاءالله) (ایران) در جمیع بسیط زمین محترم‌ترین حکومت خواهد گشت... ایران معمورترین بقاع عالم خواهد شد."

برخی ممکن است بگویند چگونه می‌توانیم بدین امید دل بندیم که روزی ایران غبطه این جهان و باعث تعجب بزرگان و دانایان گردد و بهشت برین شود و آبادترین قطعه روی زمین گردد. نخست آنکه عبدالبهاء تنها در مورد آینده ایران پیش‌گویی نکرده است چه برخی از رویدادهای پیش‌بینی نمودند اگر کسی بتواند یک مورد از پیش‌بینی ایشان را بیابد که به حقیقت نپیوسته باشد حق دارد در مورد این بیان جانفزا تردید نماید. برای نمونه عبدالبهاء جنگ جهانی اول را پیش‌بینی کرد و چون جنگ جهانی اول پایان یافت و همه تصور می‌کردند که دیگر جنگ ننگ است و ممکن نیست که دیگر دولت‌ها به جنایت و کشتار دوباره دست زنند فردای برگزاری جشن پایان جنگ جهانی اول عبدالبهاء پیش‌بینی کرد که جنگ جهانی دیگر بسیار شدید تر بوقوع خواهد پیوست. البته این پیش‌بینی بر اساس بینش شگفتی‌آور درونی بود نه بر پایه حدس و گمان و خواب بینی. زیرا به صراحت گفت منشوری که پس از پایان جنگ جهانی اول بعنوان منشور عدالت امضاء کرده اند در آن مکر و حيله ای پنهان است که دوباره اروپارا به اسارت خواهد کشید. و نيز در جریان درگیری استبداد خواهان و مشروطه طلبان عبدالبهاء پیروزی مشروطه طلبان را حتمی دانست و

نیز حکومت علما را در ایران پیش بینی کرد و غیره و غیره. این پیش بینی ها بر پایه خواب و اضطراب نبود بلکه نبض جهان در دست آن دانای عالمیان بود و از ضربان آن آگاه بود. دوم آنکه ایرانیان از نظر استعداد جبلی سرآمد دیگران و ایران از نظر منابع طبیعی یکی از زرخیزترین نقطه جهان است. در همان زمان اواخر قرن بیستم که اروپائیان به نظر تحقیر به ایرانیان نگاه می کردند و آنان را پست می شمردند عبدالبهاء گفت ایرانیان از نظر قوای ذاتی سبقت بر کل طوائف عالم دارند منتهی این استعداد در زیر پوششی از بدآموزیهای دیرینه و خرافات مزمنه و تعصبات فرسوده پنهان شده و چون این جدار فرو ریزد گوهر اصیل استعداد ایرانی درخشش خود را نشان دهد و چون ایرانیان از زنجیر اسارت دیرینه رهایی یابند راه خود را بیابند و سیر ترقی شکفت آسارا بپیمایند.

مطلب سوم آنکه ایران زادگاه آئین بهائی است و تعالیم آن پرچمدار ساختن دنیای فرداست. هر چند آئین بهائی جنبه جهانی دارد و کاربرد معنوی و پیشرفت اجتماعی آن در سراسر دنیاست ولی بیشترین تأثیر را در زادگاه خود خواهد داشت. پس بی دلیل نیست که ایران با بهره مندی از استعداد جبلی و منابع طبیعی و آرمان های سازنده عالم انسانی و اتحاد معنوی و همکاری و همیاری همه ایرانیان ترقی عظیم خواهد نمود. ممکن است این سؤال پیش آید بهائیان که تا این حد در فکر و آرزومند ترقی و تعالی ایرانیان و پیشرفت ایران هستند چرا این همه مورد ضرب و شتم و زجر و حبس و کشتار بی انصافان و ظالمان قرار گرفتند ؟ لب مطلب همین جاست علتش آنست که بهائیان می خواسته و می خواهند قدم به جلو بردارند و مخالفان می خواسته و می خواهند به عقب برگردند ترقی خواهی و نوآوری با واپسگرایی و عقب نشینی در مقابل هم قرار گرفتند و رویا روشن شدند.

برای آنکه چند موردی از رویارویی را بدست دهیم نخست از جمله به ذکر حجاب اسلامی می پردازیم.

در بیش از صد و پنجاه سال پیش در آن شرایط استبداد حکومتی و سلطه علمای مذهبی، طاهره در هنگام برگزاری کنفرانس بایان در بدشت حجاب از چهره برداشت و با صورتی آرایش کرده در جمع بایان آمد و غوغائی برانگیخته شد که صور قیامت نام گرفت. طاهره با چهره ای زیبا در جمع مردان مجتمع در آن کنفرانس بایستاد و با صوتی رسا اعلان کرد که دور قدیم پیچیده شد و عصر نوین دمیده گشت، زنان با مردان برابرند، و با یکدیگر خواهر و برادرند و سرانجام برای آزادی بانوان از اسارت دیرینه جان خود را فدا کرد و در حین شهادت خطاب به قاتلان گفت " شما می توانید هر وقت بخواهید مرا به قتل برسانید ولی نمی توانید آزادی زنان جلوگیری کنید" پس از صد و پنجاه سال که یک بانوی بزرگوار ایرانی پیشرو آزادی زنان در سراسر جهان شناخته شده است. در قرن بیست و یکم حجتة الا سلام احمد علم الهدی، در نماز جمعه در مشهد اخیراً چنین بیاناتی ایراد کرد.

"منشاء تمام نا هنجاری ها در جامعه بی حجابی زن است تمام زنانی که موهایشان بیرون است و تمام زنان لا ابالی که با پای برهنه تا ساق پا پاچه شلوارشان را ور مالیده اند، بی حجاب محسوب می شوند و باید تعقیب قانونی شوند. . . ."

برای آنکه به گوشه ای از برخی از تفاوت های تعالیم بهائی با احکام اسلامی آشنا شوید چند فقره از سخنان حجتة الا سلام عبدالکریم کوثری از نجف اشرف که در اینترنت (چشم انداز جوانان) آمده نقل می کنیم و چون در این مقاله مجال آن نیست که همه آنها را بطور کامل نقل کنیم علاقمندان به سخنان ایشان را به اینترنت

ارجاع می نمائیم هر چند حجتة الا سلام کوثری به آئین جهانی بهائی توهین کرده و آن را فرقه ضاله خوانده ولی چون صادقانه تفاوت تعالیم بهائی را با احکام اسلامی نشان داده و تهمت و افترا نساخته بدان ارج می نهیم و گفتار او را عیناً نقل می کنیم و داوری در مورد آن را به خوانندگان محترم واگذار می نمائیم . حجتة الا سلام کوثری می گوید " [در آئین بهائی] صدور فتوای قتل و تکفیر حرام گشته است این حکم باعث سستی سلطه روحانیون در حفظ و حمایت امت مسلمین در تمیز بین حق و باطل خواهد گشت."

حجت الا سلام کوثری می گوید: "علاوه بر منع فتوای قتل و تکفیر بهائیان برگشت از دینشان را مجاز می دانند و مرتد را به قتل نمی رسانند حتی در بعضی از موارد که شخص مرتد به مخالفت و دشمنی شدید پرداخته و با سستی و بی غیرتانه نسبت به او عمل نموده و حد اکثر او را "ناقض عهد" نامیده . . . بنا بر این طبق ده ها روایت متواتر از معصومان(ع) و صحابه رسول اکرم (ره) به دلالت " من بدل دینه فاقتلوه " جزای مرتد قتل است ."

حجتة الا سلام کوثری می گوید: "بهائیان با قطع کردن دست دزد و صلیب زدن و بریدن دست و پا و سنگسار کردن و گردن زدن موافق نیستند. . . . حال آنکه این مخالفت احکام شریعت دین مبین اسلام می باشد که طبق دستور شارع اقدس بریدن دست هر دزد واجب است و همچنین طبق آیه ۳۳ سوره مبارکه مائده صلیب کشیدن و بریدن دست و پای محاربین با خدا و پیامبر ضروری است" حجتة الا سلام کوثری می گوید: "بهائیان احکامی مانند شلاق و تعذیر را "شکنجه" غیر قانونی می نامند و با اشاره به "حقوق بشر" که لفظی بی محتوی و خلاف اسلام است : مانع جلوگیری از فتنه و فساد می شود. . . ."

حجتة الا سلام کوثری می گوید: "بهائیان با اعلام صلح و دوستی و معاشرت با همه ملل و مذاهب صرف نظر از دین و ایمان و اعتقاد افراد حکم قتال و جهاد را لغو می دانند و تعبیر معنوی از جهاد ارائه می دهند و حال آنکه ده ها آیه در قرآن کریم نازل شده مانند آیه ۱۹۱ از سوره بقره " و اقاتلوهم حیث ثقتموهم"

" و آیه ۳۹ از سوره الانفال " و قتلوه‌م حق لا تکون فتنه و یکون الدین کلمه لله " دال بر آن که دین مبین اسلام باید با قدرت شمشیر و سفک دم مشرکان " ریختن خون کافران " بر سایر مذاهب غالب گردند . البته بسی واضح و مبرهن است که هدف بهائیان از تعبیر معنوی از جهاد و منع از خشونت نسبت به منافقان و قتل عام کفار ، کاستن از قدرت امت اسلام و گرفتن غیرت مسلمین است لا غیر " .

حجته الا سلام کوثری می گوید: حسین علی بهاء می گوید که چیزی نجس نیست و باید با پیروان همه ادیان و مذاهب معاشرت نمود . از این گذشته آن مرد سعی نمود که با تائکید بیش از حد بر نظافت و تمیزی و با دستور دست و پا شستن و حمام کردن توجه موعنمین را از اصل قرآنی " انما المشرکون نجس " واز صد ها روایت صحیح و استوار معصومان و رساله های بی شمار علمای اعلام و بزرگان اسلاف درباره نجاست ذاتی کفار سنی ، یهودی ، عیسوی و زردشتی منحرف سازد .

حجته الا سلام کوثری می گوید " به همین نحو بچه های بهائی نیز در انتخاب دین و مذهب خود آزادند . در صورتی که طبق روایات متواتر اسلام دین فطرت است و اگر طفلی از پدر و مادر مسلمان زاده شود آکیداء مسلمان محسوب می شود . . . وظیفه همه مسلمین است که او را به سزای آن عمل شنیع برسانند . "

حجته الا سلام کوثری می گوید " بهائیان گاهی مدعی می شوند که زن و مرد دارای حقوق مساوی هستند و این با موارد متعدد شریعت انور دین شریف اسلام در تضاد است . مسلمات زن ها دارای قدرت بدنی و تیز هوشی و عقل کمتری می باشند . در عین حال احساساتی هستند و گزینه جنسیشان به مراتب شدید تر می باشد و تمایل بیش از حد به گناه و فساد دارند . بنابراین طبق آیه شریفه " الرجال قوامون علی النساء " { مردان بر زنان برتری دارند } نیاز به قیم و کفیل دارند و با آزادی بی قید و حدود به فحشا کشیده می شوند . به همین دلیل شارع اقدس حکم حجاب و چادر را نازل فرموده تا جلوگیری از فساد اخلاقی شود . . . ولی بهائیان حکم حجاب را منسوخ می دانند و به خانم ها اجازه شرکت در جلسات عمومی می دهند و حتی با ایشان مشورت هم می کنند و برای شرایط محرم و نامحرم هیچ اهمیتی قائل نیستند "

حجته الا سلام کوثری می گوید: " بهائیان گویا معتقدند که دختر ها را باید به مدرسه و دانشگاه فرستاد و حتی انتخاب همسر نیز با خودشان باشد حتی به زنها حق رای و انتخاب در محافلشان هم می دهند . البته برای هر شخص عاقل و عارفی بسی واضح و مبرهن است که با همین مشارکت زنان در روابط عمومی و اداری یک مذهب ، تخم فساد و کساد آن کاشته شده است . مسلمات چنین اعتقادی سبب خلل در نظام اجتماعی خواهد شد و زنان را به بی شرمی و بی حیایی تحریک نموده و آنها را از اطاعت شوهران و پدران و برادران خود باز می دارد . "

حجته الا سلام کوثری می گوید: " در همین منوال است که بهاسن بلوغ دوشیزگان را پانزده سالگی تعیین کرده و مدعی است که قبل از آن نباید آنها را به نکاح در آورد " تازه آن هم فقط با اراده خود دختر "

سن بلوغ دختر نه سالگی می باشد و هدف بهائیان از این امر بی خردانه و غیر انسانی این است که دختر وقتی به سن معینی می رسد اگر زیر سلطه شوهر خود قرار نگیرد به عصیان و لجام گسیختگی کشیده می شود. . .

حجت‌الاسلام کوثری می گوید: "در بهائیت جزای زنا و فحشا پرداخت مبلغی طلا تعیین شده است و از این گذشته عذاب شخص زانی را به خداوند در آخرت محول گشته در صورتیکه در کتاب خدا قرآن مجید حد زنا به ۸۰ ضربه شلاق در ملاءعام تعیین گردیده و در روایات متواتر صحیح طبق رای متفق همه مذاهب و مکاتب برای زنان محصنه حکم سنگسار وضع شده است. . ."

حجت‌الاسلام کوثری می گوید: "بهاء الله برده داری را ممنوع کرده و حال آنکه در فقه مبارک دین مبین اسلام و در کلام الله مجید بارها و بارها به لزوم و شرایط برده داری برای حفظ نظام و سلطه اسلام تائید گردیده و صد ها حکم شرعی در ارتباط با دیه و نکاح و معامله و . . . تعیین گردیده پس وظیفه این احکام چه می شود؟ آیا باید گفته این علمای اعلام و خادمین اسلام و خدمتگزاران امت مسلمان و پایه گذاران فرهنگ واقعی ایران نعوذ بالله حرف بیهوده زده اند؟ سبحان الله"

حجت‌الاسلام کوثری می گوید " بهائیان اعتقاد بوجود امام دوازدهم محمد بن حسن عسگری "عج" که بیش از هزار سال است در غیبت بسر میبرد و با شمشیر بران ظاهر خواهد شد تا سیلی از خون کافران راه بیندازد و فرقه " ناجیه " را بر سایر ملل و مذاهب کافره باغیه ضاله پیروز سازد - نعوذ بالله - خرافات می نامند و مانند سنی ها می گویند که اصلاء امام یازدهم (ص) پسر نداشته"

حجت‌الاسلام کوثری می گوید: " از همه مهمتر بهاء الله با اعلام این که به زعم خود قدرت از پادشاهان و از روحانیون گرفته و به دست ملت داده شد کاملاً منکر مشروعیت ولایت علمای اعلام برانام کالا غنم شده و ضربه ای بر ارکان نظم الهی که مبنی بر اجتهاد روحانیون و فقها و تقلید عوام جهلا می باشد وارد ساخته. بنا براین مخالفت هر مسلمان مطیع غیور و مخصوصاً هر روحانی عالم صالح با این فرقه ضاله مضله اکیداً واجب می باشد. "

همانطوریکه ملاحظه می فرمائید حجت‌الاسلام عبدالکریم کوثری این مطالب را در رد بهائیت نوشته است منتهی صادقانه سخن گفته و تفاوتی که تعالیم بهائی با افکار اسلامی دارد بنحوی مستند نشان داده و یک بحث کلامی را باز کرده و اصل مطلب را گفته که علت اصلی مخالفت با بهائیت آنست که آئین بهائی تعالیم جدید آورده و احکام نو نازل کرده و اسلام را منسوخ ساخته است. روش این دروغگویان را بکار نبرده که لب مطلب را کتمان دارند و آئین جهانی بهائی که پرچمدار عصر نوین است هر روز به یک سیاست خارجی وابسته دارند و آن را ساخته استعمار شمارند و افکار نا آگاهان و بنیاد گزایان را منحرف سازند و آنان را با مقداری یاهو گویی ها و دروغ بافی ها مشغول دارند. البته ناگفته نماند آنچه که حجت‌الاسلام کوثری

نوشته اشاره به گوشه ای از این تفاوت هاست زیرا آئین بهائی تعالیم و آموزه ها و اصولی را آورده که در ادیان گذشته ذکری از آنها بمیان نیامده است و دلیلش آنست که در آن ایام بشر از نظر فردی و حیات دسته جمعی بدان درجه از تعالی فکری و رشد اجتماعی نرسیده بود که مستعد چنین تعالیم جهان شمول گردد.

برای نمونه اصل اساسی که محور بسیاری از تعالیم بهائی است تحقق وحدت عالم انسانی است و البته این هدف یک امید عارفانه و صرفاً ابراز سخنان حکیمانه نیست بلکه همراه با آموزه هایی برای ساختار نظام جدید دنیا می باشد که اتحاد معنوی و همگامی سیاسی ممالک دنیا را هموار می سازد و پایدار می نماید. از این رو آئین بهائی پرچمدار نظم جدید جهانی است تا اختلافات سیاسی، ملی، نژادی، مذهبی و قومی پایان یابد و افراد بشر نسبت به یکدیگر مهر پرور گردند. ممکن است برخی آن را یک نوع مدینه فاضله بشمارند و تحقق آن را مشکل بل غیر ممکن دانند ولی بهائیان می گویند که این سیر تکامل حیات دسته جمعی است که از مرحله اتحاد خانواده و اتحاد قبیله گذشته و به اتحاد شهری رسیده و سرانجام به اتحاد ملی دست یافته است و اینک در آستانه اتحاد جهانی قرار دارد و ظهور حضرت بهاءالله قوه محرکه این تحول شگرف جهانی برای تحقق وحدت دنیا است. از اینرو بهائیان با دلایل عقلی و با توجه به سیر تکامل اجتماعی و با برخورداری از ایمان قلبی تحقق آن را حتمی می شمارند و در راه اتحاد دنیا تلاش می کنند و وقت و مال و حتی جان خود را نثار می نمایند.

نکته دیگر آنکه بنیاد گرایان مذهبی مخالف آئین بهائی بر این عقیده هستند که دین اسلام ابدی است و مردم مکلف به اجرای آن هستند ولو آنکه با پیشرفت جامعه و نیاز زمان هماهنگی نداشته باشد. آنان می گویند خدا کامل است و می تواند دینی کامل برای ابدالآباد نازل کند از اینرو به ختم ظهورات اعتقاد دارند. بهائیان می گویند درست است که خداوند کامل است ولی جوامع بشری تکامل می یابد و تغییر و تطور می جوید از اینرو دنیا نیاز به تعالیم جدید و رهنمود های تازه دارد و این تغییر تعالیم و احکام به اراده یزدان است که بشر در چهارچوب شریعتی که با شرایط زمان همخوانی ندارد محدود و محصور نگردد. از اینرو دین نیز بمانند هر نهاد دیگر حالت پویا دارد و ظهورات الهی استمرار دارد و تکامل می یابد و ظهور پیامبران تصادفی نیست بلکه مطابق نقشه ملکوتی و نظام عالم هستی و مطابق با نیاز زمان است چون در این مقاله نمی خواهیم برخی مباحث مذهبی را مطرح سازیم این مطلب را به مقاله دیگر واگذار می کنیم که حضرت رسول اکرم خود بهتر از هرکس دیگر آینده نگر بودند و اصل تکامل را تائید کرده اند و ظهور پیامبران و پیدایش آئین های نورا بشارت داده اند و حتی دوره اسلام را مشخص کرده اند. چون طبق نظریه علمی حیات بشر در این سیاره خاکی حدود دوهزار میلیون سال دیگر ادامه دارد از اینرو کسانی که به خدا اعتقاد دارند و فیض عالم بالا را برای ارتقاء ابناء بشر لازم می شمارند نمی توان تصور کرد که در مدت دوهزار میلیون سال دیگر کلامی و پیامی از حق نرسد.

بهائیان استدلال می کنند که بشر نمی تواند از خداوند دادگر جلو تر افتد بدین معنی که احکام الهی نمی تواند و نباید از قوانین و پیشرفت زمانه عقب تر باشد . لذا همواره پیامبران علمداران پیشرفت جامعه و حرکت به سوی جلو هستند و به قول آرنولد تواین بی مورخ برجسته عصر معاصر پیامبران بنیانگذاران تمدن می باشند . ممکن است عده ای اعتراض کنند و بگویند احکام مذهبی بسیار عقب افتاده تر از اندیشه های خردمندان پیشرفته و به خرافات آلوده است در این صورت چگونه می توان ادعا کرد که انبیا علمدار پیشرفت دنیا باشند . البته این اعتراض درست است و آنان نظریه ادیانی دارند که دوره آنها سپری شده است و هر وقت چنین وضعی پیش آید معلوم می شود که بشر در اجابت ندای الهی و ترویج و تنفیذ تعالیم جدید سماوی کوتاهی کرده و در نتیجه دچار محاصره شده است . هرگاه عده ای از روشنفکران مذهبی در فکر چاره جویی افتند که دیانت سنتی را با پیشرفت زمانه تطبیق دهند تا عقب نمانند خود دلیلی بر عدم کفایت دیانت قبلی در مقابله با پیشرفت و نیاز زمان است و این احساس روشنفکران نموداری از لزوم تحول و تکامل است و بازتابی از خواست الهی برای تغییر و تکامل نظام معنوی است هر چند نیت آنان نیکو است ولی این تغییر و تحول را خود خداوند انجام می دهد و نیازی به زحمت اصلاح طلبان نیست . ناگفته نماند که هر چند بهائیان به آئین جدید ایمان دارند و دوره اسلام را طبق پیش بینی حضرت رسول اکرم پایان یافته می شمارند ولی به پیامبر اسلام احترام می گذارند. بهائیان معتقدند که احکام اسلامی در شرایط اجتماعی و جوروانی پرخشونت اعراب بدوی هزار و چهار صد سال پیش پدید آمده ولی با تغییر و تحول شرایط زمان طبق اراده یزدان تغییر یافته است . اگر احکام اسلامی با شرایط زمان و تحولات اجتماعی همخوانی ندارد ایرادی بر آن وارد نیست زیرا احکام اسلامی برای دنیای امروز نیست بهمین دلیل

با آنکه بهائیان از دین اسلام قدم فراتر گذاشته . و آئین جدید را پذیرفته اند ولی محبت و احترام به پیامبر اسلام را در قلوب فرزندان، نوباوگان و جوانان خود می کارند . بهائیان نه تنها به حقانیت اسلام اعتراف دارند بلکه همه ادیان مهم جهان یهودیت، مسیحیت، اسلامیت ، مذهب بودا و آئین زرتشت را حق می دانند و احترام می گذارند . اگر کسی در آثار حضرت باب که بیش از یک میلیون آیات نازل کرده و آثار حضرت بهاء الله که بیش از صد کتاب نازل نموده و نیز در نوشته های مولفین بهائی طبق نظر دکتر چوپینه در یکی از سخنرانی هایش یک کتابخانه عظیمی را تشکیل دهد مطالعه نماید نمی تواند یک جمله پیدا کند که دینی از ادیان جهان را باطل شمرده باشد . علاوه بر این برخی اوقات در مدارس تابستانه و زمستانه و مجامع دیگر و نیز در کلاسهای درس اخلاق نو باوگان و جوانان شرح زندگی و خدمات و زحمات پیامبران گذشته و نقش آنها در تربیت و پیشبرد تمدن تدریس می شود که فرزندان بهائی هم پیامبران آسمانی را بشناسند و به آنان احترام بگذارند و دوست بدارند. در واقع به یک معنی آئین بهائی یک مکتب تربیتی است نه صرفاً اعتقادی است.

تنها گناهی که بهائیان دارند آنست که به ندای پیامبر جدید لبیک گفتند و به یک نهضت معنوی جهانی پیوستند و پرچم عصر نوین را برافراشتند ولی مخالفان پرکین که طرفدار افکار پیشین بودند در مقابله با آئین نوین فضائل اخلاقی و معیارهای انسانی را زیر پا گذاشتند و به شیوه افترا سازی و دروغگویی متوسل شدند و هر چه توانستند با تهمت و دروغ و افترا آئین نوین را آلودند و ماهیت آن را وارونه جلوه دادند تا بتوانند حصاری از نفرت و انزجار برای مردم نا آگاه و اهل انکار بسازند و آئین جدید را منفور و مردود بسازند و از آن بد تر به حربه سرکوبی، اذیت و آزار و حبس و کشتار نو اندیشان پرداختند.

پس از بیش از یک قرن و نیم که بایان و بهائیان تلخی ظلم و ستم را چشیدند و از محرومیت ها رنج بردند برای نخستین بار است که در سطحی گسترده برخی از روشنفکران، انساندوستان، بانوان فرهیخته، آزادی طلبان، فعالان اجتماعی و وابستگان به گروههای سیاسی به دفاع از حقوق حقه بهائیان برخاسته اند چه بسیاری از آنان خود تلخی استبداد و واپس گرائی مذهبی را چشیدند یا شاهد آن بوده اند بطور خلاصه هر که شوری در سرو نیروی پروازی در پر داشت دچار اذیت و آزار و حبس و شتم و اعدام گردید و اینان تحت عنوان مبارزه با امپریالیسم بخش مهمی از نیروی جوان و فعال و کار ساز را از بین بردند و بسیاری از مغزهای جامعه ساز و تخصص های مورد نیاز را از ایران فراری دادند.

وقت آنست که همه ایرانیان با وجود تفاوت در عقیده و ایمان و گوناگونی در اندیشه و آرمان با یکدیگر همدست و هم پیمان گردند و جامعه ای گوناگون ولی متحد بسازند تا بتوانند نیرو خود را بجای بر خورد فرسایشی در جهت نو سازی ایران معطوف دارند و در این راستا بهائیان به سهم خویش نقشی ارزنده خواهند داشت چه یکی از اهداف بهائیان آن است که ایران پیشرفته ترین کشور جهان و آباد ترین نقطه دنیا گردد.

معرفی نویسنده مقاله

از من، جمشید فنائیان، خواسته شده شرحی در معرفی خود بنویسم. از اینرو چند کلمه زیر را بدین منظوری نگارم:

من در ایران متولد شده ام ولی در چهار قاره جهان زندگی کرده ام. مسافرت های متعددی به برخی از نقاط دنیا داشته ام. کار اصلی من تدریس بوده و در چند دانشکده در طهران و استرالیا زبان و ادبیات انگلیسی تدریس کرده ام. من دارای فوق لیسانس در ادبیات انگلیسی از ایران و استرالیا هستم.

کار ضمنی من نوشتن و ترجمه کتاب است و به دوزبان فارسی و انگلیسی کتاب می نویسم. آخرین کار من یک اثر ادبی یک نول به زبان انگلیسی تحت عنوان "سپیده دم" است که در استرالیا چاپ شد و چند روزنامه انگلیسی در باره آن مقاله نوشتند. از نوشته های فارسی من از جمله می توان "ایران آینده" را نام برد. این کتاب در سال ۱۹۸۴ در اروپا نوشته شد و در سال ۱۹۸۸ در استرالیا به چاپ رسید و چون در این کتاب تغییر رژیم مارکسیستی شوروی سابق با دلیل و برهان پیش بینی شده بود و آن را قریب الوقوع دانسته بود از اینرو در سفری که به برخی کشورهای اروپای شرقی داشتم شماری از رسانه های گروهی از روزنامه، رادیو و تلویزیون با من مصاحبه کردند و می خواستند بدانند که چگونه این تغییر را به روشنی پیش بینی کرده بودم. علاوه بر اروپای شرقی در برخی ممالک دیگر نیز مصاحبه هایی با روزنامه، رادیو و تلویزیون داشتم.

چند کتاب و رساله ترجمه کرده ام که از جمله "حال و آینده جهان"، "هدف نظم بدیع جهانی" و "جلوه مدنیت جهانی" از آثار شوقی ربانی را میتوان نام برد. در حال حاضر روی سه کتاب کار می کنم یکی ترجمه به انگلیسی مثنوی "مجمع الاسرار" یکی از آثار شاعر و عارف پرمایه عصر حاضر، متخلص به "جنون" است که در دایره المعارف ایرانیکا شرح حال ایشان وارد شده است. دیگر شرحی به زبان انگلیسی بر "مجمع الاسرار" است که کتابی جداگانه شده است. و نیز کتابی دیگر به زبان فارسی در دست نوشتن دارم که احتمالاً دفتری پر برگ خواهد شد.